

بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر عملکرد سازمان‌های غیر دولتی زنان

از دید اعضا در شهر شیراز

جهانگیر جهانگیری^۱ و طاهره شگری زاده^{۲*}

چکیده

جریان تحولات اجتماعی به سوی جامعه‌ی مدنی با تأسیس سازمان‌های غیر دولتی همراه بوده است. جوامع امروزی زمانی به توسعه دست می‌یابند که همه‌ی افراد صرف نظر از جنسیت در اداره‌ی امور مشارکت داشته باشند. نظریه پردازان توسعه بر این باورند که سازمان‌های غیر دولتی می‌توانند با توانمندسازی و وارد کردن زنان در پروسه‌ی تصمیم‌گیری، مشارکت آنان را در جامعه افزایش دهند. در پژوهش انجام شده تأثیر سرمایه‌های اجتماعی به عنوان متغیر مستقل بر عملکرد سازمان‌های غیر دولتی زنان (متغیر وابسته) با توجه به فرمول ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جامعه‌ی آماری این پژوهش، تشکل‌های غیر دولتی زنان شیراز می‌باشد و حجم نمونه ۳۲۲ نفر است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه‌ی معنی‌دار بین تأهل، قومیت، تحصیلات اعضا و تحصیلات همسرانشان با متغیر وابسته (عملکرد سازمان) وجود ندارد، اما بین شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی ساختاری و شناختی با عملکرد سازمان رابطه وجود دارد، به گونه‌ای که با افزایش این نوع متغیرها، عملکرد سازمان‌ها نیز افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: سازمان‌های غیر دولتی، سرمایه‌ی اجتماعی، عملکرد سازمان.

^۱ - استادیار دانشگاه شیراز.

^۲ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.

* - نویسنده‌ی مسئول مقاله: Tshokrizade@yahoo.com

پیشگفتار

جامعه ی مدنی^۱، به جامعه ای اشاره دارد که تمامی آحاد ملت و گروهها و اقشار اجتماع در فعالیت های گوناگون جامعه ی مشارکت پویا و ارادی داشته باشند. برای بررسی این امر (مشارکت در اجرا و سازماندهی فعالیت های جامعه)، قالب هایی ویژه طراحی شده اند تا این مشارکت را به گونه ای مؤثر محقق سازند، یکی از این نظام ها، سازمان های غیر دولتی هستند. "انجمن های داوطلبانه و سازمان های غیر دولتی یکی از کانال های اصلی اعمال نظر مردم و تمرین مشارکت جمعی و رشد توانمندی های فکری و عینی انسان ها در تمام جوامع است" (سرایبی و قاسمی، ۱۳۸۱). از آنجایی که سرمایه ی اجتماعی فرایندی است که منجر به شکل گیری شبکه های اجتماعی و تسهیل هماهنگی و همکاری جهت تحقق اهداف می شود، لذا بهترین بستر و زمینه ی مناسب برای تقویت این همکاری و هماهنگی با تقویت تشکل های مدنی در قالب سازمان های غیر دولتی فراهم می گردد. از این رو، بسیاری از اندیشمندان، سرمایه ی اجتماعی را عامل محرک رشد و توسعه یافتگی جامعه دانسته اند که با ایجاد تقویت و اعتماد و انسجام در جامعه، منجر به بهبود کیفیت شرایط زندگی آنان می شود. در ایران پدیده ی مشارکت مردمی ریشه در باورهای دینی و عادات ملی کشور دارد و مقدس شمردن خدمت به خلق به صورت داوطلبانه از بالاترین عبادات مذهبی است. امروزه اهمیت مشارکت زنان به گونه ای است که بدون حضور نیمی از جمعیت امکان دستیابی به توسعه ناممکن بنظر می رسد. سازمان های غیر دولتی ابزاری مناسب برای توانمندسازی زنان در ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بشمار آیند، ولی با این حال نا آشنایی جامعه با سازمان های غیر دولتی زنان و نقش آنان در اداره ی عمومی، عدم خودباوری زنان به تشکیل چنین سازمان هایی، عدم تداوم و موفقیت فعالیت ها که بیش تر ناشی از ضعف مدیریت در سازمان دهی، ضعف اطلاعات سازمانی، کمبود منابع مالی و حمایتی و عدم آشنایی با قوانین و مقررات حاکم بر جامعه می باشد، همگی در زمره ی موانع و مشکلات بر سر راه پیشرفت این سازمان ها بشمار می رود.

مشارکت زنان در تصمیم گیری های خرد و کلان جامعه به تناسب موضوع فعالیت سازمان ها، ایجاد اشتغال و فقرزدایی، حفظ روحیه ی انسان دوستی و همدلی در قالب سازمان های خیریه و ... از جنبه های مثبت ایجاد تشکل های غیر دولتی زنان است و در چالش های اخلاقی و اجتماعی امروز می تواند کارکرد حیاتی داشته باشد. بدیهی است که این سازمان ها در توانمندسازی زنان و شناخت و ریشه یابی مسایل اجتماعی و آرایه ی راه حل های سازنده می توانند جایگاهی ویژه در اداره ی امور کشور داشته باشند. نقش چشمگیر سرمایه ی اجتماعی و چگونگی حضور آن در

^۱ - Civic Society

زندگی کنشگران اجتماعی، به عنوان تسهیل گر تعاملات اجتماعی، توجه بسیاری از جامعه شناسان را به خود جلب کرده است. با توجه به اهمیت سرمایه ی اجتماعی در توسعه ی اقتصادی- اجتماعی، نبود یا ضعف آن را در جامعه باید مسأله ی مهم اجتماعی دانست. چرا که در این حالت همکاری داوطلبانه در جامعه به حداقل می رسد.

در این پژوهش سعی شده، تأثیر سرمایه های اجتماعی بر عملکرد سازمان های غیر دولتی زنان مورد بررسی قرار گرفته و ارزیابی گردد.

پیشینه ی پژوهش

پژوهش در خصوص تشکل های داوطلبانه در ایران، از یک سو، به دلیل نبود پژوهش های منابع پیشین و از سوی دیگر، به دلیل عدم پذیرش مشارکت اجتماعی و همکاری ضعیف اعضای سازمان های غیر دولتی با پژوهشگران، با مشکلات بسیاری روبه رو بوده است. رزاقی در این زمینه بر این باور است که: "هنوز پارادایم سنتی توسعه از شیوه ی سنتی به مدرن بر جامعه ی ایرانی مسلط است و نسبت به سازمان های غیر دولتی نگاهی تزئینی و ابزاری وجود دارد و این نگاه باعث می شود که آن ها در جایگاه واقعی خویش قرار نگیرند" (رزاقی، ۱۳۸۳).

در زیر به برخی مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور در خصوص سازمان های غیر دولتی می پردازیم:

قشقایی در مقاله ای با عنوان "نقش سازمان های غیر دولتی زنان در اداره عمومی کشور"، سازمان های غیر دولتی را به عنوان سازمان های داوطلبانه که با هدف های خدمتگزاری و انسان دوستانه، خلاء بین نخبگان و توده ی مردم را پر می کند، معرفی می نماید. او بر این باور است که این سازمان ها در توانمند سازی زنان، فرهنگ سازی جامعه و شناخت و ریشه یابی مسایل اجتماعی و ارائه ی راه حل های عملی جهت رفع نواقص می توانند جایگاهی ویژه در اداره ی امور کشور داشته باشند (قشقایی، ۱۳۷۸).

سعیدی نیز در مقاله ای با عنوان "رابطه ی دولت و سازمان های غیر دولتی" بر این باور است که رشد کمی سازمان های غیر دولتی زنان، دلالت بر گسترش کیفی آن ها ندارد. او در مقاله اش به بررسی آسیب شناسی رابطه ی بین دولت و این سازمان ها پرداخته است. سعیدی با طرح برنامه ی عمل پیشنهادی رابطه ی دولت و سازمان های غیر دولتی بر این باور است که چارچوب این برنامه باید با سیاست های دولت منطبق باشد تا منجر به تقویت ارکان سازمان های غیر دولتی زنان گردد. محور این طرح، تقویت مشارکت این سازمان ها در فعالیت های اجتماعی، گسترش شفافیت و پاسخگویی از راه دسترسی به داده ها در سازمان های غیر دولتی و فراهم کردن حمایت

نهادی، تقویت همکاری، تعاون و تشریک مساعی این سازمان‌ها با دولت بوده است (سعیدی، ۱۳۸۴).

در پژوهشی دیگر که به وسیله‌ی قانعی راد و حسینی انجام گرفته، نشان می‌دهد که هر چه ارزش‌های فرامادی در جوانان بیش‌تر باشد، سرمایه‌ی اجتماعی در آنان بیش‌تر و مشارکت آنان در سازمان‌های غیردولتی بیش‌تر است. جوانان دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر و دارای تحصیلات بیش‌تر مشارکت بیش‌تری در این نوع سازمان‌ها دارند (قانعی راد و حسینی، ۱۳۸۴). پژوهشی که به وسیله‌ی هلمز^۱ انجام گرفته است، راجع به زنانی است که به وسیله‌ی سازمان‌های غیردولتی زنان، به عنوان فعال در بازسازی بوسنی و هرزه‌گوین پس از جنگ شناسایی شده‌اند، زنانی که برای رسیدن به هدف‌های سیاسی و برگرداندن پناهندگان و سازشکاری‌های قومی-نژادی متعهد شده‌اند، ولی همچنان قدرت سیاسی آنان در جامعه نادیده گرفته می‌شود (Helms, 2003).

بالحیب^۲ در مقاله‌ای این نوع سازمان‌ها را عاملان فعال در تغییرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند. بیش‌ترین نقش آن‌ها در چانه‌زنی برای حقوق زنان مراکشی و تلاش برای پیشرفت زندگی روزانه آن‌ها بوده است. بیش‌تر اعضای NGOها به پایگاه اجتماعی بالایی تعلق دارند و آن‌ها معمولاً از اساتید، معلمان، مدیران ارشد، وکیلان و پزشکان می‌باشند (Belhabib, 2004).

مبانی نظری پژوهش

بسیاری از اندیشمندان اجتماعی در تبیین سرمایه‌ی اجتماعی با برشمردن عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن، آن‌را به عنوان موتور حرکت جامعه برای طی مراحل رشد و تعالی دانسته و بر این باورند که سرمایه‌ی اجتماعی همان مفهوم سرمایه‌ی اقتصادی را با اهمیتی بیش‌تر با تأکید بر گروه‌های مرجع دارد. از دید دانشوران، جامعه‌ای توان‌گام نهادن در پویای توسعه را دارد که بتواند بر میزان این انباشت سرمایه اثر گذاشته و موجودی سرمایه اجتماعی را تقویت کند. وابستگی سرمایه‌ی اجتماعی به منابع انسانی که زیرساخت تولید سرمایه را برعهده دارند، انکارناپذیر است. بویژه آن‌که زنان در این رویکرد جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده‌اند، لذا زنان در تقسیم‌بندی‌های اجتماعی فرایندی مؤثر را در ایجاد رابطه‌های فردی و توسعه‌ی آن در حوزه‌ی شبکه‌های اجتماعی ایجاد می‌کنند (نژاد بهرام، ۱۳۸۴). مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را نخستین بار

¹ - Eliza Helms

² - Soumaya Belhabib

جیمز کلمن^۱ وارد عرصه ی سیاسی کرد، اما تئوری سرمایه ی اجتماعی بیش تر با نظریه های بوردیو^۲ و پوتنام^۳ تکامل یافت. در این پژوهش نظریه های مربوط به سرمایه ی اجتماعی بررسی می شود.

از نظر بوردیو، سرمایه ی اجتماعی جمع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه ی مالکیت شبکه ی بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و عضویت در یک گروه برای دستیابی به منابع آن گروه است (Winter, 2000 به نقل از موسوی).

او با ترکیب نظرات مارکس و وبر، میان ۴ نوع سرمایه تمایز قائل می شود: ۱- سرمایه اقتصادی ۲- سرمایه اجتماعی ۳- سرمایه فرهنگی ۴- سرمایه نمادین. از نظر بوردیو شکل های فوق قابل تبدیل به یکدیگرند و ساختار طبقاتی هر جامعه متأثر از نحوه توزیع این چهار نوع سرمایه است. (بوردیو، ۱۳۸۱).

بوردیو سرمایه ی اجتماعی را دارای دو مؤلفه می داند: نخست به عنوان یک منبع که با عضویت گروهی و شبکه های اجتماعی مرتبط است و دوم میزان سرمایه ی اجتماعی یک کارگزار خاص به حجم شبکه ی ارتباطی او وابسته است. برای بوردیو سرمایه ی اجتماعی یک پدیده ی جمعی است، حتی اگر از چشم انداز کنشگر به آن نگاه شود. یکی از سنگ بناهای نظری جامعه شناسی بوردیو در نظر گرفتن جامعه به عنوان تکثری از حوزه های اجتماعی است. شکل های سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) عامل های اساسی هستند که تعریف کننده ی موقعیت ها و امکانات کنشگران در هر حوزه ای است (بوردیو به نقل از سیسیانین، ۱۳۸۴).

علاقه ی کلمن به ترکیب جامعه شناسی با جریان های عمده ی اقتصادی است. او از سرمایه ی اجتماعی برای تبیین تفاوت ها در زندگی افراد استفاده می کند. او باور دارد که سرمایه ی اجتماعی با کارکرد شیء تعریف می شود. سرمایه ی اجتماعی، مانند اشکال دیگر سرمایه ی مولد است و امکان دستیابی به هدف های معینی را که در نبود آن دست نیافتنی است، فراهم می سازد. سرمایه ی اجتماعی، مانند سرمایه ی فیزیکی و انسانی کاملاً تعویض پذیر نیست، اما نسبت به فعالیت های ویژه ای تعویض پذیر است. شکل معینی از سرمایه ی اجتماعی که در تسهیل کنش های معینی ارزشمند است، ممکن است برای کنش های دیگر بی فایده یا حتی زیانمند باشد (کلمن، ۱۳۷۷).

پوتنام نیز با بررسی نواحی ایتالیایی و طرح پرسش هایی پیرامون شرایط ضروری برای شکل گیری جامعه ی مدنی، جایگاهی تازه به تئوری سرمایه ی اجتماعی داد. بنظر وی، سرمایه ی

¹ - Coleman, J.S

² - Bourdieu, P

³ - Putnam, R

اجتماعی در گروه‌های مدنی و دینی، پیوند های خانوادگی، شبکه های اجتماعی غیر رسمی، دوستان و خویشاوندان، هنجارهای عمل متقابل، داوطلب شدن، از خود گذشتگی و اعتماد نهفته است. هنجارهای اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه ها، منابع سرمایه و اساسا اجتماعی هستند. سرمایه‌ی اجتماعی کنش جمعی نیست بلکه هنجارها و ضمانت های اعتماد و عمل متقابل در بین شبکه های اجتماعی است که مشکلات غیر قابل حل کنش اجتماعی را حل می کند (پوتنام، ۱۳۸۱).

فوکویاما^۱ نیز بر این باور است که سرمایه‌ی اجتماعی را به سادگی می توان به عنوان وجود مجموعه‌ی معینی از هنجارها یا ارزش های غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه‌ی اجتماعی نمی شود، چرا که این ارزش ها ممکن است ارزش های منفی باشد. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشند. تشکیل گروه‌های موفق در نبود سرمایه‌ی اجتماعی با استفاده از انواع ساز و کارهای مشارکتی مانند قرارداد ها، نظام سلسله مراتب، اساس نامه ها و مانند آن امکان پذیر است. جامعه‌ی مدنی که در سال های اخیر به گونه‌ی شایان توجهی کانون نظریه پردازی های مردم سالاری بوده است، در مقیاس وسیعی محصول سرمایه‌ی اجتماعی است (فوکویاما، ۱۳۸۵).

آپهوف^۲ نیز برای مفهومی کردن سرمایه‌ی اجتماعی عنوان می کند که می بایست آن را به دو طبقه‌ی مرتبط به هم تقسیم کرد: ساختاری و شناختی. وی سرمایه‌ی اجتماعی در شکل ساختاری را با شکل های گوناگون سازمان اجتماعی مانند نقش ها، قواعد، روش های قبلی یا رسوم و رویه ها و دامنه‌ی گسترده از شبکه‌هایی که به همکاری یا تعاون و کنش جمعی دو طرفه سودمند کمک می کنند، پیوند می زند. طبقه بندی شناختی نیز از فرایندهای ذهنی مشتق شده و نتیجه‌ی آن ایده ها بوده و به وسیله‌ی فرهنگ و ایدئولوژی تقویت می شود، یعنی هنجارها، نگرش ها و باورهایی که به رفتار مبتنی بر همکاری و تعاون کمک می کنند (Uphoff, 2000).

آپهوف همچنین بر این باور است که هر دو طبقه بندی از سرمایه‌ی اجتماعی در سطح بالایی به هم وابسته اند، به گونه‌ی ای که هر کدام از شکل های ساختاری و شناختی کمک کننده به یکدیگرند. هر دوی آن ها از راه ساز و کار انتظارات بر رفتار تأثیر می گذارند. هر دوی پدیده به

¹ - Fukuyama, F

² - Uphoff

وسیله ی تجار شرطی شده و به وسیله ی فرهنگ و روحیه یا طرز فکر یک دوره و دیگر عوامل تأثیر گذار تقویت می شوند.

مدل سنجش سرمایه ی اجتماعی SCAT^۱

در این مدل سرمایه ی اجتماعی به دو سطح کلان و خرد تقسیم شده است، سطح کلان اشاره به محیطی دارد که سازمان در آن فعالیت دارد که شامل قوانین، چارچوب حقوقی، نوع حکومت و نظام سیاسی، میزان عدم تمرکز و میزان مشارکت سیاسی افراد در خط مشی کلان دارد. سرمایه ی اجتماعی در سطح خرد به دو بعد شناختی و ساختاری تقسیم شده است. بعد شناختی به بخش نا محسوس سرمایه ی اجتماعی مانند ارزش ها، باورها، نگرش ها، رفتارها و هنجارهای اجتماعی می پردازد. ارزش های شناختی به روحیه ی اعتماد و یکپارچگی اعضاء و همچنین ارتباط متقابل که بین اعضاء یک جامعه وجود دارد، می پردازد. بعد ساختاری سرمایه اجتماعی در برگیرنده ی ساختارها و شبکه هایی است که حاوی فرایندهای تصمیم گیری جمعی روشن، رهبران پاسخگو و مسئولیت متقابل است (Krishna & Shroder, 1999).

چارچوب انتخاب شده

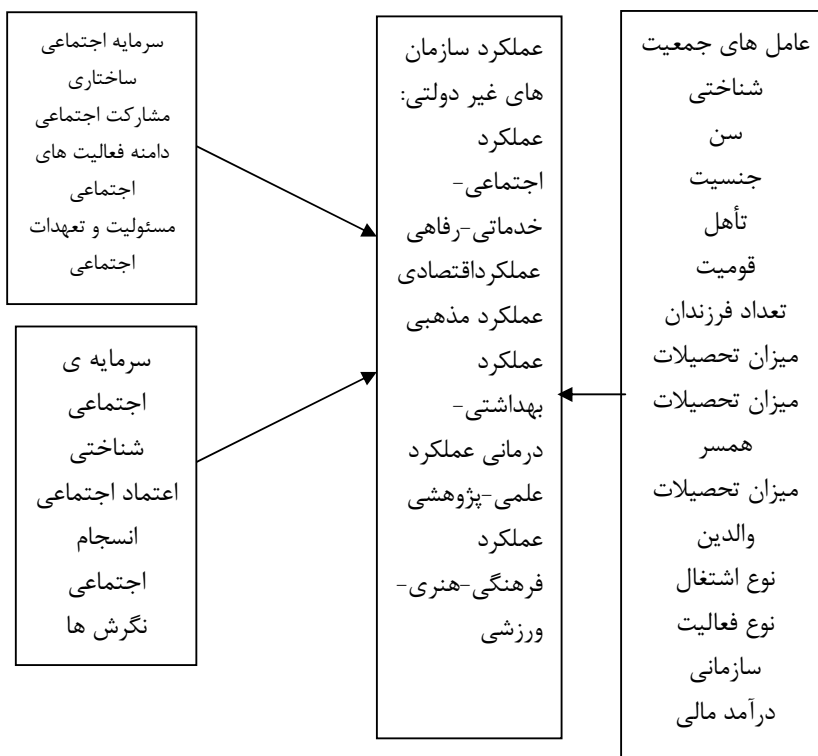
با مروری بر کارهای نظریه پردازان سرمایه ی اجتماعی این نکته آشکار می شود که هر چند مشابهت هایی بین آن ها وجود داشته ، اما دارای تفاوت هایی نیز هستند. وال و همکارانش پس از بررسی اندیشه ی سه نظریه پرداز سرمایه ی اجتماعی (بورديو، کلمن و پوتنام) بر این باورند که: هر سه نظریه پرداز با این نکته موافقتند که سرمایه اجتماعی نمی تواند در خارج از زمینه ی اجتماعی گسترده تر جامعه وجود داشته باشد، بورديو روی طبقه و تقسیم طبقاتی، کلمن روی دامنه ای از موضوع ها یعنی از خانواده تا سازمان های رسمی و پوتنام روی مناطق وسیع تأکید می کند (Wall et all, 1988).

بر اساس نظریه های مطرح شده ی اندیشمندان، سرمایه ی اجتماعی عنصری مطلوب برای انجام کارهای درون گروهی است که هر چه میزان آن بالاتر باشد، دستیابی گروه به اهداف خود با هزینه ی کم تری انجام می گیرد، اما در کنار اثرات مثبت آن، برخی اندیشمندان تذکر می دهند، سرمایه ی اجتماعی از راه تشکیل گروهها و شبکه های منزوی می تواند بر عملکرد کلان نظام اجتماعی اثر منفی بگذارد، لذا اثرات مثبت سرمایه ی اجتماعی هنگامی خواهد بود که این دو شکل سرمایه ی اجتماعی (درون گروهی - برون گروهی) هر دو به میزان مناسب باشند.

¹ - Social Capital Assesment Tool

از آنجایی که آپهوف برای مفهومی کردن سرمایه ی اجتماعی آن را به دو طبقه ی ساختاری و شناختی تقسیم کرده و با این حال قلمرو عمل این دو را نیز به هم مرتبط می داند، لذا این گونه استنباط می گردد که با در نظر گرفتن بعد ذهنی (شناختی) و بعد عینی (ساختاری) سرمایه ی اجتماعی آپهوف و مدل سرمایه ی اجتماعی اسکات، بهتر می توان به اثرات مثبت سرمایه ی اجتماعی بر عملکرد سازمان ها پی برد.

مدل پژوهش



فرضیه های پژوهش

- بنظر می رسد بین سرمایه اجتماعی ساختاری (مشارکت اجتماعی، دامنه ی فعالیت های اجتماعی و تعهدات اجتماعی) و عملکرد سازمان های غیر دولتی زنان رابطه وجود دارد.

- بنظر میرسد بین سرمایه اجتماعی شناختی (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، ارزش ها و نگرش های اجتماعی با عملکرد سازمان های غیر دولتی زنان رابطه وجود دارد.
- بنظر می رسد بین تحصیلات اعضاء و عملکرد سازمان های غیر دولتی زنان رابطه وجود دارد.
- بین نوع فعالیت سازمانی و عملکرد سازمان های غیر دولتی زنان رابطه وجود دارد.
- بین نوع اشتغال اعضا و عملکرد سازمان های غیر دولتی زنان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه ی آماری این پژوهش، تشکل های غیر دولتی زنان در شیراز می باشد که تعداد آن ها بالغ بر ۵۲ تشکل به ثبت رسیده است و تعداد کل مدیران و کارکنان آنان نیز به ۱۸۶۵ نفر می رسد. حجم نمونه ی مورد مطالعه ی این پژوهش بر اساس محاسبه ی روش لین، ۳۲۲ نفر می باشد. پس از تعریف متغیرهای مورد نظر، شاخص هایی برای هر یک از آنان تعریف شد. شاخص های متغیر مستقل عبارتند از:

سرمایه اجتماعی ساختاری شامل: مشارکت اجتماعی- دامنه ی فعالیت های جمعی- مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی. سرمایه ی اجتماعی شناختی: اعتماد اجتماعی- انسجام اجتماعی- ارزش های اجتماعی- نگرش های اجتماعی.

عملکرد های سازمان ها شامل: عملکرد اجتماعی- خدماتی- رفاهی، عملکرد اقتصادی، عملکرد مذهبی، عملکرد علمی- پژوهشی، عملکرد بهداشتی- درمانی، عملکرد فرهنگی- هنری- ورزشی.

تجزیه و تحلیل یافته ها

بخش نخست این تجزیه و تحلیل به ویژگی های جامعه ی مورد مطالعه اختصاص داشته و در بخش دوم با بهره گیری از آزمون های آماری به بررسی فرضیه ها پرداخته شده است.

جدول ۱- توصیف شاخص تحصیلات اعضای سازمان ها

درصد	فراوانی	تحصیلات اعضا
۵/۹	۱۹	ابتدایی- سیکل
۴۹/۱	۱۵۹	دیپلم- فوق دیپلم
۳۶/۷	۱۱۹	لیسانس
۸/۳	۲۷	ارشد- دکتری
۱۰۰	۳۲۴	کل

همان گونه که داده های جدول ۱ نشان می دهد، ۵/۹ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی و سیکل بوده اند. ۴۹/۱ درصد آنان دارای تحصیلات دیپلم - فوق دیپلم بوده اند. ۳۶/۷ درصد از پاسخگویان در مقطع لیسانس و ۸/۳ درصد دیگر از افراد نیز دارای مدرک ارشد و دکتری می باشند.

جدول ۲- توصیف شاخص شغل اعضای سازمان

درصد	فراوانی	شغل
۲۷/۲	۸۸	خانه دار
۸/۳	۲۷	دبیر
۲۱	۶۸	کارمند
۱۶	۵۲	دانشجو
۹/۶	۳۱	آزاد
۱۷/۹	۵۸	سایر
۱۰۰	۳۲۴	کل

داده های جدول ۲ نشان می دهد که ۲۷/۲ درصد از پاسخگویان خانه دار، ۸/۳ درصد دبیر، ۲۱ درصد کارمند، ۱۶ درصد دانشجو، ۹/۶ درصد دارای شغل آزاد بوده و ۱۷/۹ درصد نیز گزینه ی سایر را انتخاب نموده اند.

جدول ۳ - توصیف شاخص نوع فعالیت های سازمانی

درصد	فراوانی	نوع فعالیت سازمان
۲۱/۳	۶۹	خیریه ای
۷/۱	۲۳	مذهبی
۱۷/۳	۵۶	اجتماعی
۱۶	۵۲	آموزشی- فرهنگی
۴/۹	۱۶	بهداشتی- درمانی
۷/۴	۲۴	علمی- پژوهشی
۷/۱	۲۳	ورزشی
۴	۱۳	ادبی- هنری
۱۴/۸	۴۸	حمایتی- خدماتی
۱۰۰	۳۲۴	کل

بر اساس داده های جدول ۳، ۲۱/۳ درصد افراد جزو تشکل های خیریه ای، ۷/۱ درصد از افراد جزء تشکل های مذهبی، ۱۷/۳ درصد دیگر جزء تشکل های اجتماعی، ۱۶ درصد افراد جزء تشکل های آموزشی-فرهنگی، ۴/۹ درصد دیگر جزء تشکل های بهداشت-درمانی، ۷/۱ درصد افراد جزء تشکل ورزشی، ۴ درصد افراد جزء تشکل ادبی-هنری و ۱۴/۸ درصد افراد دیگر نیز جزء تشکل حمایتی-خدماتی می باشند، بنابراین تعداد افراد عضو در تشکل های خیریه ای بیش ترین و در تشکل های ادبی-هنری کم ترین بوده اند.

جدول ۴-توصیف متغیرهای مستقل و عملکرد سازمان

متغیرهای مستقل		پایین		متوسط		بالا	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۲۷	۸/۳	۲۳۲	۷۱/۶	۶۵	۲۰/۱		
۲۹	۹	۲۰۸	۶۴/۲	۸۷			
۱۲	۳/۷	۱۵۲	۴۶/۹	۱۶۰	۴۹/۴		
۴۰	۱۲/۳	۱۹۹	۶۱/۴	۸۵	۲۶/۲		
۷	۲/۲	۱۰۱	۳۱/۲	۲۱۶	۶۶/۷		
۶	۱/۹	۶۴	۱۹/۸	۲۵۳	۷۸/۳		
۶	۱/۹	۷۱	۲۱/۹	۲۴۷	۷۶/۲		

همان گونه که در جدول ۴ ملاحظه می شود، ردیف اول این جدول بیانگر میزان مشارکت اجتماعی در سازمان های غیر دولتی است. ۸/۳ درصد پاسخگویان مشارکت اجتماعی را در سطح پایین، ۷۱/۶ درصد در سطح متوسط و ۲۰/۱ درصد در سطح بالا بیان نموده اند، بنابراین می توان نتیجه گرفت که میزان مشارکت اجتماعی در این سازمان ها در حد متوسط است.

ردیف دوم، بیانگر میزان دامنه ی فعالیت های اجتماعی در سازمان های غیر دولتی است. ۹ درصد پاسخگویان دامنه ی فعالیت های اجتماعی را در سطح پایین، ۶۴/۲ درصد در سطح متوسط و ۲۶/۹ درصد آن را در سطح بالا گزارش کرده اند.

ردیف سوم این جدول نشان دهنده ی میزان مسئولیت و تعهدات اجتماعی است. ۳/۷ درصد پاسخگویان مسئولیت و تعهدات اجتماعی را در سطح پایین، ۴۶/۹ درصد در سطح متوسط و ۴۹/۴ درصد آن را در سطح بالا مطرح نموده اند. روی هم رفته، میزان مسئولیت و تعهدات در بین سازمان های غیر دولتی متوسط رو به بالا گزارش شده است.

ردیف چهارم جدول بالا، بیانگر میزان اعتماد اجتماعی در سازمان های غیر دولتی است. ۱۲/۳ درصد پاسخگویان اعتماد اجتماعی را در سطح پایین، ۶۱/۴ درصد آن را در سطح متوسط و ۲۶/۲ درصد آن را در سطح بالا گزارش نموده اند.

همچنین در مورد اعتماد اجتماعی همان گونه که ملاحظه می شود، ۲/۲ درصد از پاسخگویان، اعتماد اجتماعی را در سطح پایین، ۳۱/۲ درصد آن را در سطح متوسط و ۶۶/۷ درصد افراد نیز آن را در سطح بالا گزارش کرده اند، بنابراین میزان اعتماد اجتماعی در بین سازمان های غیر دولتی در حد بالا گزارش شده است.

بر اساس داده های جدول ۴، ۲/۲ درصد پاسخگویان، نگرش های اجتماعی را در سطح پایین، ۳۱/۲ درصد آن را در سطح متوسط و ۶۶/۷ درصد افراد آن را در سطح بالا مطرح کرده اند. در مجموع نگرش های اجتماعی در این سازمان ها در سطح بالایی قرار دارد.

همچنین بر اساس داده های همین جدول، ۲/۲ درصد پاسخگویان ارزش های اجتماعی را در سطح پایین، ۳۱/۲ درصد آن را در سطح متوسط و ۶۶/۷ درصد افراد آن را در سطح بالا مطرح نموده اند.

در مجموع نتایج آمار توصیفی نشان می دهد که میزان مشارکت اجتماعی، دامنه ی فعالیت های اجتماعی و اعتماد اجتماعی در بین سازمان های غیر دولتی مورد مطالعه، متوسط رو به بالا بوده و میزان مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی در بین این سازمان ها در حد متوسط است، همچنین میزان انسجام اجتماعی، نگرش ها و ارزش های اجتماعی نیز در سطح بالا گزارش شده است.

جدول ۵ - آزمون همبستگی پیرسون بر حسب متغیرهای مستقل و عملکرد سازمان

متغیرهای مستقل	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
مشارکت اجتماعی	۰/۳۷۹	۰/۰۰۰
دامنه ی فعالیت های اجتماعی	۰/۲۸۴	۰/۰۰۰
مسئولیت و تعهدات اجتماعی	۰/۳۹۴	۰/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۳۱۷	۰/۰۰۰
انسجام اجتماعی	۰/۳۵۲	۰/۰۰۰
نگرش های اجتماعی	۰/۱۴۰	۰/۰۱۲
ارزش های اجتماعی	۰/۱۱۵	۰/۰۳۹

شاخصه های جدول شماره ی ۵ نشان می دهد که با توجه به سطح معنی داری، رابطه ی بین این متغیرهای مستقل دست کم در سطح ۹۵ درصد معنی دار است و فرضیه ی وجود رابطه بین این متغیرها تأیید می گردد. در واقع تمام این گویه ها، مربوط به سرمایه ی اجتماعی ساختاری و شناختی بوده اند و آزمون همبستگی بین سرمایه ی اجتماعی و عملکرد سازمان ها معنی دار بوده و این گونه استنباط می گردد که با افزایش سرمایه ی اجتماعی، سازمان ها نیز عملکرد بهتری را از خود نشان داده اند.

آزمون همبستگی پیرسون بین سن، تعداد فرزندان و درآمد معنی دار نبوده و نشان می دهد که این متغیرها، تأثیری بر عملکرد سازمان ندارد. آزمون تفاوت میانگین بین وضعیت تأهل، تحصیلات اعضا، تحصیلات همسر و نوع اشتغال نیز معنی دار نبوده و و نشان می دهد که افراد با تحصیلات و مشاغل گوناگون و صرف نظر از مرد یا زن و مجرد یا متأهل بودن، عملکرد سازمان را مشابه ارزیابی نموده اند.

جدول ۶- عناصر اصلی تحلیل چند متغیره به روش مرحله به مرحله

Sig t	مقدار T	BETA	Bضریب	R2	R	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۵	۲/۸۶۴	۰/۳۱۱	۱/۳۵۹	۰/۱۱۳	۰/۳۳۷	نگرش اجتماعی
۰/۰۴۵	۲/۰۴۵	۰/۲۲۲	۱/۹۸۰	۰/۱۶۲	۰/۴۰۳	مشارکت اجتماعی

جدول ۶ ضرایب رگرسیونی چند متغیره را برای تبیین متغیر وابسته به روش مرحله به مرحله نشان می دهد، که در نهایت طی دو مرحله، دو متغیر وارد این معادله شده اند. دو متغیر مشارکت اجتماعی و نگرش اجتماعی توانسته اند ۱۶/۲ درصد از متغیر وابسته را تبیین کنند. در حقیقت ۱۶/۲ درصد از تغییرات بوجود آمده در میزان عملکرد سازمان ها به دلیل حضور این دو متغیر بوده است.

جدول ۷- عناصر متغیرهای خارج شده در مرحله ی آخر

متغیرها	BETA	T	Sig	همبستگی جزئی
سن	۰/۰۴۴	۰/۳۹۸	۰/۶۹۲	۰/۰۴۷
تعداد فرزند	۰/۰۱۵	۰/۱۳۴	۰/۸۹۴	۰/۰۱۶
درآمد	۰/۰۰۸	۰/۰۷۲	۰/۹۴۳	۰/۰۰۹
دامنه ی فعالیت های اجتماعی	۰/۰۷۳	۰/۵۷۰	۰/۵۷۱	۰/۰۶۷
مسئولیت های اجتماعی	۰/۱۳۲	۱/۱۲۰	۰/۲۶۷	۰/۱۳۲
اعتماد اجتماعی	۰/۰۴۶	۰/۴۱۵	۰/۶۷۹	۰/۰۴۹
انسجام اجتماعی	۰/۰۲۱	۰/۱۸۵	۰/۸۵۳	۰/۰۲۲
ارزش اجتماعی	۰/۱۶۵	۱/۲۷۷	۰/۲۰۶	۰/۱۵۰

جدول ۷ به متغیرهایی اختصاص یافته است که دارای همبستگی معنی داری با متغیر وابسته (عملکرد سازمان) نبوده اند و بنابراین از مدل خارج شده اند و توان تبیین متغیر وابسته را نداشته اند.

در مجموع می توان گفت که بر اساس ارزیابی های انجام گرفته از سازمان های غیر دولتی زنان در شیراز، بیش تر از همه بر مؤلفه های سرمایه ی اجتماعی ساختاری و شناختی تأکید شده و متغیرهای زمینه ای یا جمعیت شناختی، تأثیری چندان بر عملکرد این سازمان ها نداشته اند.

نتیجه گیری

در چند دهه ی اخیر، موضوع مشارکت اجتماعی و نقش فعال مردم در جوامع توسعه نیافته به منزله ی یکی از ضروریات توسعه ی انسانی و پایدار مطرح شده است. سازمان های غیردولتی یکی از اهرم های اصلی مشارکت اجتماعی و رشد توانمندسازی انسان ها در جوامع در حال توسعه بشمار می آید که این امر مرهون تقویت سرمایه ی اجتماعی به عنوان عامل رشد و توسعه یافتگی جوامع قلمداد می شود، بنابراین، با توجه به افزایش کمی سازمان های غیردولتی زنان، در چند دهه ی اخیر، در ایران مطالعه ای در مورد نقش سرمایه اجتماعی بر عملکرد این سازمان ها می تواند نقش آن ها را در جامعه ی امروزی نمایان سازد.

نتایج بدست آمده از مطالعه ی بالا نشان می دهد که میزان مشارکت، دامنه ی فعالیت های اجتماعی و اعتماد اجتماعی در بین اعضای سازمان های غیردولتی مورد مطالعه متوسط رو به بالا بوده و میزان مسئولیت و تعهدات اجتماعی در بین آن ها در حد متوسط و میزان انسجام اجتماعی، نگرش های اجتماعی و ارزش های اجتماعی نیز در حد بالا گزارش شده است.

آزمون همبستگی پیرسون بین مشارکت اجتماعی، دامنه ی فعالیت های اجتماعی، مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی، اعتماد و انسجام اجتماعی، نگرش ها و ارزش های اجتماعی با عملکرد سازمان حاکی از معنی دار بودن این رابطه است.

با بهره گیری از رگرسیون چند متغیره به روش مرحله به مرحله مشاهده گردید که تنها دو متغیر نگرش اجتماعی و مشارکت اجتماعی توانسته اند وارد معادله گردیده و در مجموع ۱۶/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

در مجموع می توان گفت که بر اساس ارزیابی های انجام گرفته از سازمان های غیردولتی زنان در شیراز، بیش تر از همه بر مؤلفه های سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی تأکید شده و متغیرهای زمینه ای یا جمعیت شناختی تاثیر چندانی بر عملکرد این سازمان ها نداشته است.

منابع

- ۱- بوردیو، پ. ۱۳۸۱. نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه مرتضی مردیپها، تهران، انتشارات نقش و نگار.
- ۲- پوتنام، ر. ۱۳۸۰. دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، نشر سلام.
- ۳- سرایی، ح. و قاسمی، ز. ۱۳۸۱. "گونه شناسی انجمن های داوطلبانه در ایران"، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۴.
- ۴- سعیدی، ع. ا. ۱۳۸۴. "رابطه دولت و سازمان های غیر دولتی زنان در ایران" پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۳.
- ۵- سیسیانین، م. ۱۳۸۴. "دوتلقی از سرمایه اجتماعی: تمایزات و اشتراکات بوردیو و پوتنام"، ترجمه محمد رضا غلامی، نشریه همشهری.
- ۶- فوکویاما، ف. ۱۳۸۵. پایان نظم، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران، نشر قلم نوین.
- ۷- قانعی راد، محمد امین و حسینی، فریده (۱۳۸۴)، "ارزش ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمانهای غیر دولتی (مطالعه تجربی در بین جوانان تهران)"، مجله جامعه شناسی ایران، سال ۶، شماره ۳، صص: ۹۷-۱۲۳.
- ۸- قشقای، فرشته (۱۳۷۸)، "نقش سازمان های غیر دولتی در اداره امور عمومی کشور" نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۹- کلمن، ج. ۱۳۷۷. بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ۱۰- موسوی، م. ط. ۱۳۸۵. "مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه های سرمایه اجتماعی"، فصلنامه ی رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۳.
- ۱۱- نژاد بهرام، ز. ۱۳۸۴. "حقوق زنان، نخستین گام در انباشت سرمایه اجتماعی"، نشریه نافه، شماره ۳۹-۴۱.

- 12- Belhabib, Soumaya (2004). " Moroccan Women NGO: Civil Society Agents of Change. " Third ALWF Annual Conference: Women in the Arab World, Partners in the Community and on the World Stage.
- 13- Helms, E. (2003). "Women as Agents of Ethnic Reconciliation? Women Ngos and International Intervention in Postwar Bosnia-Herzegovina. " Womens Studies International Forum, Vol. 26, No. 1, PP. 15-33.
- 14- Uphoff, N.(2000). "Understanding Social Capital, Learning from the Analysis and Experiences of Participation, in Dasgupta and Sereglidin, Social Capital: A Multifaceted Perspective. "Institutional Analysis, World Bank. Washington DC,USA.PP,215-249.
- 15- Wall, E. Gabriele, F. and Frans, S. (1998), "Getting the Goods on Social Capital, Rural Sociology. ", 63,2,PP: 300-322.